

مهمان سردبیر

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل ناکارآمدی سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران در حال حاضر، منطبق نبودن سیاست‌ها و تصمیم‌های این حوزه با پشتوانه‌های علمی، نظری و پژوهشی است. به طور نمونه سیاست خصوصی‌سازی آموزش عالی حاصل سیاست‌گذاری‌های شتاب‌زده، بدون مطالعه و تقلیدی در توسعه نظام آموزش عالی است. علی‌رغم اینکه خصوصی‌سازی آموزش عالی به کسب درآمد توسط دانشگاه‌ها و تنوع‌بخشی آموزش عالی کمک کرده اما روند پرشتاب حرکت خصوصی‌سازی در آموزش عالی ایران به نحوی بوده که نه تنها از اهداف اصلی خود دور شده بلکه گاهی حرکت آن در جهت خلاف اهداف و رسالت اصلی آموزش عالی بوده و آسیب‌ها و تبعات جبران‌ناپذیری را متوجه آموزش عالی کشور کرده است. از جمله این آسیب‌ها و مشکلات می‌توان به سه دسته آسیب‌های ساختاری، کارکردی و محیطی اشاره کرد:

- به لحاظ ساختاری، فقدان قوانین و مقررات شفاف، مدیریت ناکارآمد مراکز خصوصی آموزش عالی، مشکلات ساختاری در راه‌اندازی دانشگاه‌های خصوصی، وجود بوروکراسی اداری یا کاغذبازی و عدم استقلال در جذب هیأت‌علمی، منجر به بروز مشکلات ساختاری در دانشگاه‌های پولی به عنوان نماد خصوصی‌سازی آموزش عالی شده و این مشکلات نه تنها کارکرد و عملکرد دانشگاه بلکه محیط پیرامون و جامعه را نیز دچار آسیب کرده است.
- آسیب‌های کارکردی از جمله کاهش کیفیت آموزشی استاد و دانشجو؛ افزایش مدرک‌گرایی، تقلب و فساد آموزشی و همچنین کیفیت پایین پژوهش و عدم تعامل آن با سایر بخش‌های جامعه، کیفیت و شاخص‌های آموزش و پژوهش را به چالش کشیده چنانکه کارکرد آموزش، تولید علم و نشر و اجرایی کردن پژوهش‌های دانشگاهی بر اساس نیاز جامعه، جای خود را به کارکردهایی با هدف سودآوری و سرمایه‌گذاری مادی داده است. از سوی دیگر سیطره رویکرد کمی‌گرایی، نگاه کاسب‌کارانه به آموزش عالی و تبدیل استاد به تاجری که به جای تمرکز بر رسالت اصلی آموزش عالی باید سود بیشتر را هدف قرار دهد بی‌تردید منجر به زدودن اخلاق و ارزش‌های بنیادین و ساحت علم از آموزش عالی کشور خواهد شد.
- افزایش دانش‌آموختگان بیکار، طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، وابستگی سیاسی آموزش عالی، بی‌توجهی دولت به سیاست‌گذاری‌های مناسب بخش خصوصی آموزش عالی، اتکاء به شهریه و عدم

کارآفرینی در جذب منابع دیگر، رشد کمی مراکز آموزش عالی خصوصی و ایجاد نگرش منفی نسبت به آموزش عالی را می‌توان مهم‌ترین آسیب‌های محیطی خصوصی‌سازی آموزش عالی قلمداد کرد. همچنین خصوصی‌سازی نه تنها آموزش عالی را از عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای افراد دور کرده بلکه باعث حاکم شدن ارزش‌های بازار بر ارزش‌های هنجاری، معنوی و دینی در دانشگاه و جامعه شده است.

خصوصی‌سازی آموزش عالی در دنیا به عنوان وسیله‌ای برای رقابتی‌تر شدن و ارتقاء کیفیت دانشگاه‌ها به کار گرفته می‌شود. در حالی که در ایران عملکرد و شیوه‌های نامناسب خصوصی‌سازی آموزش عالی، سبب افت کیفیت دانشگاه‌ها شده است. در نتیجه افت کیفیت، بسیاری از خدماتی که از دانشگاه‌ها خواسته می‌شود خدمات علمی و پژوهشی اصیل نبوده و خدماتی هستند که مشاوران و پیمانکاران حوزه تجارت و بازار نیز می‌توانند آن را انجام دهند.

بر اساس آنچه در خصوص آسیب‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران گفته شد به نظر می‌رسد هر چند در ابتدا سیاست‌گذاری در راستای خصوصی‌سازی آموزش عالی ذاتاً سیاست‌گذاری غلطی نبوده اما اجرای نادرست آن، کیفیت آموزش عالی کشور را نشانه گرفته است. می‌توان با بکارگیری راهکارهایی جهت کاهش یا رفع آسیب‌های مذکور، این سیاست‌گذاری را در مسیر صحیح حرکت و اجرا، سوق داد.

با توجه به اینکه مدیریت کارآمد و اثربخش یکی از ارکان اساسی دانشگاه محسوب می‌شود بنابراین بر اساس ماهیت دانشگاه‌های خصوصی انتظار می‌رود مدیریت بازاریابی بر آنها حاکم باشد نه یک مدیریت سنتی مانند سایر دانشگاه‌ها، اما برای مدیریت کارآمد و رفع آسیب‌ها در این بخش، انتصاب مدیران متخصص در این حوزه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی به منظور تقویت مدیران ضروری است. همچنین ایجاد نظام جامع نظارت و ارزیابی مستمر بر این دانشگاه‌ها با تأکید بر کیفیت آموزشی و پژوهشی پیشنهاد می‌شود به طوری که عدم رعایت استانداردهای آموزشی و پژوهشی نظام آموزش عالی کشور در این دانشگاه‌ها، بی‌هیچ ممانعتی به تعطیلی واحدهای متخلف بینجامد.

ضرورت و اهمیت بازنگری و تأمل جدی در شیوه تفکر حاکم نسبت به افزایش خصوصی‌سازی آموزش عالی شدیداً احساس می‌شود و شایسته است راهکارهایی غیر از خصوصی‌سازی - مانند سرمایه‌گذاری بیشتر روی تولیدات علمی دانش‌بنیان و درآمدزایی از طریق تعاملات تنگاتنگ با صنعت و سایر بخش‌های جامعه - برای جبران کسری بودجه آموزش عالی تمهید و جایگزین خصوصی‌سازی شود.

تبعات و آثار منفی خصوصی‌سازی هنگامی رخ می‌نماید که از پیش‌نیازهای ضروری اجرای این سیاست و توجه به شرایط ویژه کشور غفلت شود. مطالعه و تشکیل کمیته‌های تخصصی بررسی تجارب و الگوهای موفق جهانی و پیاده‌سازی آن بر اساس شرایط ملی - منطقه‌ای می‌تواند این تقلید کورکورانه را به یک سیاست‌گذاری تقلیدی موفق بدل کند. تجارب موفق خصوصی‌سازی در دنیا از جمله در اسپانیا، هلند، بلژیک و آمریکا نشان می‌دهد می‌توان خصوصی‌سازی آموزش عالی را به نحوی اجرا کرد که دانشگاه‌های خصوصی نیز در صدر برترین دانشگاه‌های کشور مطرح شوند.

آسیب‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران زنگ خطری برای تذکر این نکته است که چنانچه در این سیاست‌گذاری، بازنگری جدی صورت نپذیرد ممکن است پیامدهای منفی دیگری نیز در لایه‌های پنهان آن وجود داشته باشد. بروز یا عدم بروز آن پیامدهای احتمالی به اقدامات آتی سیاستگذاران و مراجع ذی‌ربط وابسته است.

مریم‌سادات قریشی خوراسگانی
استادیار دانشگاه الزهرا (س)